

**چالشهای ژئوپلیتیکی مواد مخدر در جنوب غرب آسیا  
(با تأکید بر ایران، پاکستان و افغانستان)**

دکتر حمیدرضا محمدی<sup>۱</sup>

محمد غنّجی<sup>۲</sup>

شماره مقاله: ۱۵

**چکیده**

مواد مخدر تأثیر عمیقی بر تمامی افراد و جوامع سراسر جهان دارد. در بعد فردی، مواد مخدر سلامت، زندگی و امنیت افراد را با خطر روبرو کرده است. در بعد ملی، رابطه مواد مخدر با جرایم باعث بروز مناقشات، معضلات اجتماعی، تضعیف دولتها و عقب ماندگی کشورها شده است. کشورهای فقیر به شدت در برابر مواد مخدر آسیب پذیر بوده و نیازمند کمک هستند، زیرا آنها فاقد منابع کافی برای مقابله با چرخه جرم و جنایت می باشند. در بعد جهانی نیز مسئله مواد مخدر اهمیت مشابهی دارد: بازارهای مواد مخدر هیچ مرزی ندارند و ماهیت فراملی آنها موجب می شود که هیچ دولت واحدی، چه فقیر و چه غنی نتواند به مرزهای این بازارها دست یابد.

مواد مخدر در تقسیم بندی اولیه از دو نوع خارج نیست، یامنشاء آن طبیعی است، که از خشخاش، شاه دانه و کوکا به دست می آید. و یا مصنوعی است که به طریق آزمایشگاهی استحصال می شود، مانند متامفتامین و آمفتامین (اکستاسی). مخرب ترین ماده مخدر در جهان، مواد افیونی خصوصاً هروئین است که بزرگترین کانون تولید آن در جنوب غرب آسیا به ویژه در افغانستان است. تولید و قاچاق آن، ایران، پاکستان و کشورهای آسیای مرکزی را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده است.

سودآوری و ارزش افزوده قاچاق مواد مخدر موجب شکل گیری گروهها و شبکه های مافیایی قاچاق شده است. گروهی بودن، برنامه ریزی پیچیده، اغراض مالی بسیار قوی با هدف رسیدن به

Email: h-mohammadi@sbu.ac.ir

<sup>۱</sup> - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی

<sup>۲</sup> - کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی

بالاترین سود، فعالیت در سطوح ملی، فراملی و بین‌المللی، برخورداری از سیستم اطلاعاتی قوی، تمایل به نفوذ در قدرتهای رسمی سیاسی برای برقراری ارتباط با عوامل دولتی، تلاش برای تحت نفوذ درآوردن قدرت رسمی و دخالت در تصمیم‌گیریها، فرهنگ سازمانی سخت و خشن و ... همگی از ویژگیهای قاچاقچیان سازمان یافته است. این مقاله با توصیف وضعیت کنونی مواد مخدر در منطقه، چالشهای ژئوپلیتیکی آن را در جنوب غرب آسیا بررسی می‌نماید.

**واژگان کلیدی:** ژئوپلیتیک، هارتلند مواد مخدر، افغانستان، پاکستان، ایران

### مقدمه

با توجه به تعاریف گوناگونی که از ژئوپلیتیک شده، در اینجا به بیان دو نمونه که بیشترین ارتباط با موضوع این مقاله دارد می‌پردازیم: «ژئوپلیتیک عبارت است از درک واقعیتهای محیط جغرافیایی به منظور دستیابی به قدرت، به نحوی که بتوان در بالاترین سطح وارد بازی جهانی شد و منافع ملی و حیات ملی را حفظ کرد؛ به عبارت دیگر ژئوپلیتیک عبارت از علم کشف روابط محیط جغرافیایی و تأثیر آن بر سرنوشت سیاسی ملل (عزتی، ۱۳۸۰: ۶). ژئوپلیتیک، علم یا گفتمان با بررسی تعاریف ژئوپلیتیک، آنها را به پنج گروه طبقه‌بندی نموده است. در تعریف گروه پنجم که با موضوع این مقاله مرتبط است این چنین آمده است: ژئوپلیتیک موضوعی کاربردی بوده که سیاستمداران برای رسیدن به مقاصد سیاسی و پیروزی در صحنه با رقابت قدرتهای رقیب و احیاناً سلطه بر دیگران، آن را به کار می‌گیرند (حافظ نیا، ۱۳۸۳: ۵۱). بنابراین، از این دو تعریف، همان تعریف مشهور، یعنی بررسی نقش عوامل محیط جغرافیایی در سیاست است که ورود ما را به پدیده مواد مخدر و چالشهای ژئوپلیتیکی آن توجیه می‌کند.

با ورود به دومین قرن کنترل جهانی مواد مخدر، دولتها و ملتها همچنان با گسترش و پیچیدگی معضلات ناشی از سوء مصرف و قاچاق این پدیده مواجه‌اند. بدون تردید نیمه دوم قرن بیستم شاهد همه‌گیری مصرف مواد مخدر بوده است. اگرچه آمار موجود

به گونه‌ای نیست که بتوان این وضعیت را دقیقاً «همه‌گیری» نامید، اما پر واضح است که مصرف مواد مخدر غیر قانونی از نیمه دوم قرن بیستم به شدت افزایش یافته است. تحول ایجاد شده در مصرف داروهای صنعتی و روانگردان را می‌توان در طول زمان شاهد بود و آن را بر اساس مؤلفه‌های تاریخی و مردم‌شناختی تفسیر کرد. امروزه، سنجش میزان معضل مواد مخدر غیرقانونی بر اساس میزان تولید، قاچاق و مصرف شده کار ساده‌ای نیست اما امکان پذیر است. با عنایت به ماهیت غیرقانونی چنین فعالیت‌هایی، این گونه برآوردها نمی‌تواند معتبر باشد اما سطح اطلاعات موجود هم می‌تواند مبنایی منطقی داشته باشد. امروزه آمار اقتصادی، اجتماعی و جمعیت‌شناختی به شکلی نظام‌مند ثبت و ضبط می‌شود، درحالی که در گذشته به ندرت شاهد چنین روندی بوده‌ایم. تجزیه و تحلیل روند کمی و کیفی مقوله تولید و مصرف مواد مخدر به خاطر در دسترس بودن داده‌ها، در سه چهار دهه اخیر قاعده‌مند شده است.

### روش تحقیق

نوع این پژوهش، بنیادی تجربی می‌باشد. در تحقیق بنیادی تجربی، اطلاعات و مواد اولیه تحلیل به روش کتابخانه‌ای گردآوری و سپس با روشهای مختلف استدلال مورد تجزیه و تحلیل عقلانی قرار گرفته، نتیجه‌گیری می‌شود (حافظ نیا؛ ۱۳۸۲: ۵۱).

ماهیت و روش این پژوهش، توصیفی می‌باشد. در تحقیقات توصیفی، محقق به دنبال چگونه بودن موضوع است و می‌خواهد بداند، متغیر؛ شیء یا مطلب چگونه است. به عبارت دیگر، این تحقیق وضع موجود را بررسی می‌کند و به توصیف منظم و نظام‌دار وضعیت فعلی آن می‌پردازد (همان؛ ۵۸).

## طرح مسئله

پدیده مواد مخدر پس از انقلاب صنعتی و اختراع ماشین و نزدیک شدن فواصل بین ملت‌های جهان، به تدریج به عنوان معضل اجتماعی، هستی بشریت را مورد تهدید قرار داده است.

امروزه معضل تولید و قاچاق مواد مخدر و اعتیاد از پدیده‌های شوم کشورها محسوب شده و تواناییهای اقتصادی، ظرفیتهای امنیتی و انتظامی بسیاری را به خود معطوف داشته و جنبه‌های فراملی به خود گرفته است

همه آنچه که می‌توان درباره نیمه نخست قرن بیستم گفت این است که پس از کنفرانس شانگهای، برای محدود کردن مصرف داروهای روانگردان (طبیعی و مصنوعی) تلاشهای بیشتری انجام شده و می‌شود. در نیمه دوم قرن بیستم ارزیابیهای کمی دقیق‌تری امکان‌پذیر شد. در دهه ۱۹۵۰ چین توانست معضل مواد مخدر را حل کند. در همین دهه ژاپن افزایش شدید سوء مصرف متامفتامین را تجربه کرد و آن را تحت کنترل در آورد. در دهه ۱۹۶۰ موج جدیدی از افزایش مصرف مواد مخدر در بسیاری از نقاط جهان به راه افتاد (UNODC, 2004:32).

حرکت به سمت «جهانی شدن»، قاچاق مواد مخدر در میان کشورها را تسهیل نموده و «مدرنیزه شدن» بسیاری از سازوکارهای مرسوم اعمال قانون در زمینه مصرف مواد مخدر را خنثی کرده است. در شرایط کنونی، سرعت تغییرات اجتماعی و اقتصادی دو برابر شده است و این امر، امکان افزایش شتاب سوء مصرف مواد مخدر و فعالیتهای جنایی در بازار قاچاق مواد مخدر را فراهم آورده است. البته این پدیده جدیدی نیست. پیشرفتهای فناوری یک جنبه تاریک هم دارند که شرایط را برای گسترش مصرف مواد مخدر ایجاد نموده است. بهترین نمونه‌ها در این زمینه عبارتند از: همه‌گیری شدید مشروبات الکلی در قرن هجدهم پس از کشف فرآیند تقطیر؛ همه‌گیری مستمر مصرف دخانیات پس از مکانیزه شدن تولید سیگار و کبریت‌های

بی خطر در قرن نوزدهم؛ همه گیری مصرف تریاک، هروئین و مرفین در اواخر قرن نوزدهم؛ پس از پیشرفت علم شیمی که امکان استخراج یا تصفیه مواد مخدر خالص از تریاک را فراهم آورد؛ همچنین پیدایش و گسترش مواد صنعتی و روانگردان در اواخر قرن بیستم و ساخت سرنگهای زیر پوستی که تزریق مستقیم مواد مخدر طبیعی و صنعتی به جریان خون را عملی ساخت (UNODC, 2004:33).

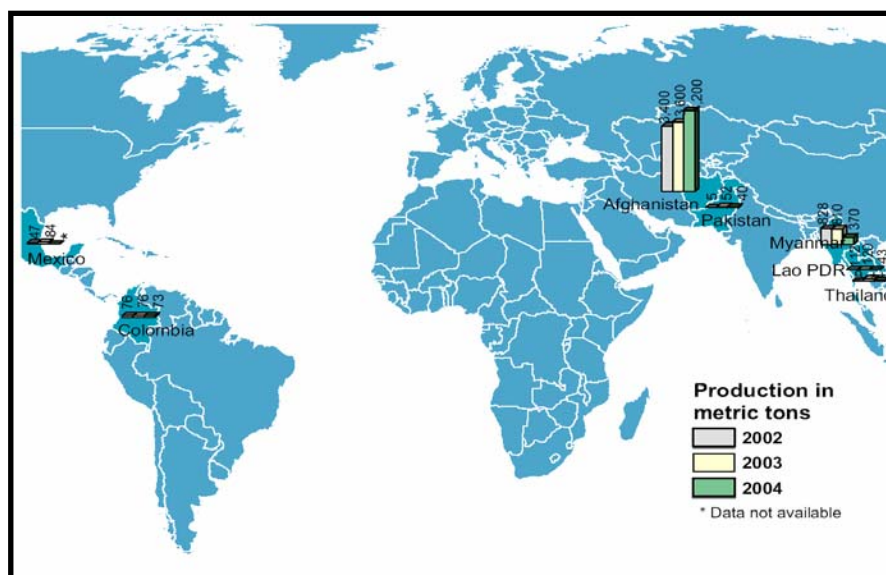
جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با شبکه ها، کاروانها و گروه های بین المللی قاچاق مواد مخدر در فراگیرترین شکل شرکت همواره حضوری فعال داشته و دارد و در این مسیر بیشترین خسارت های جانی و مالی را متحمل شده است. بدیهی است چنین معضلاتی که سلامت و امنیت جامعه جهانی را تهدید می کند، در سایه همکاری های مشترک دولتها به سهولت و با کمترین هزینه قابل حل است. البته در این میان بی عدالتی، بی ثباتی سیاسی، مداخله خارجی، فقر مادی و معنوی و... می توانند از مهم ترین عوامل تأثیرگذار بر پدیده قاچاق مواد مخدر در منطقه و جهان محسوب شوند.

موقعیت ایران، نه تنها در منطقه جنوب غرب آسیا بلکه در جهان، به لحاظ قرار گرفتن در مجاورت بزرگترین کانون تولید مواد افیونی در جهان آسیب پذیرترین شرایط را در میان کشورهای جهان دارد. نزدیک ۸۰ درصد مواد افیونی جهان که به صورت غیرقانونی مصرف می شود، در افغانستان تولید می شود (گزارش دفتر مقابله با جرم و مواد مخدر سازمان ملل/UNODO)؛ و لا اقل ۵۰ درصد آن به قصد ترانزیت و یا مصرف وارد کشور ما می شود (غنجدی، ۱۳۸۳: ۲۵). البته بخش قابل توجهی از این مواد توسط یگانهای ایثارگر مبارزه با مواد مخدر نیروی انتظامی کشف می شود. این مقاله در پی آن است که معضل جهانی مواد مخدر را برای نخستین بار و آن هم در سطح گسترده با طرح موضوعی با عنوان چالشهای ژئوپلیتیکی مواد مخدر در منطقه جنوب غرب آسیا مورد بررسی و کنکاش قرار دهد.

### ظرفیت تولید گونه‌های تخریری در جهان (هارتلند مواد مخدر (Narcotics-Drug's Heartland)

خشخاش: در سال ۲۰۰۵ کشورهای افغانستان، میانمار، لائوس، کلمبیا و مکزیک با کشت نزدیک ۱۷۵ هزار هکتار خشخاش؛ نزدیک ۵۰۰۰ تن تریاک تولید نموده‌اند.  
کوکا: کشورهای کلمبیا، بولیوی و پرو با کشت نزدیک ۲۰۰ هزار هکتار کوکا، بیش از ۵۵۰ تن کوکا تولید کرده‌اند.

نقشه شماره ۱: تولید جهانی تریاک در سالهای ۲۰۰۲-۲۰۰۴ به تن



(منبع: UNODC, 2005)

شاه‌دانه: طی سال ۲۰۰۵ در بیش از ۱۴۵ کشور جهان کشت شاه‌دانه به قصد تولید حشیش و ماریجوانا صورت گرفت که در این میان فقط به منابع عمده کشت شاه‌دانه اشاره می‌شود: مراکش، نیجریه و آفریقای جنوبی در قاره آفریقا؛ کلمبیا، مکزیک، جامائیکا و پاراگوئه در قاره آمریکا؛ افغانستان، پاکستان، هند و نپال در قاره آسیا و هلند، بلژیک و آلبانی در قاره اروپا.

**مواد صنعتی:** کشورهای میانمار، تایلند، فیلیپین و چین تولید کننده متاآمفتامین و کشورهای هلند، بلژیک و لهستان تولید کننده آمفتامین (اکستاسی) بوده‌اند (گزارش سال ۲۰۰۴ UNODC) مواد صنعتی بیش از ۳۴ میلیون مصرف کننده، ۵۰۰ تن برآورد شده است و این مقدار هر ساله تولید می شود.

در جهان بیش از ۱۰ میلیون نفر در کار قاچاق مواد مخدر فعالند. بیش از ۱۶۰۰ میلیارد دلار پول در کار قاچاق مواد مخدر در گردش است که نزدیک یک سوم آن سود این رقم است.

بسیاری از کشورهای جهان برای مقابله با ابعاد مختلف معضل مواد مخدر در حد وزارتخانه تشکیلات دارند و سالانه منابع مالی بسیار هنگفتی در این راه هزینه می کنند. ابزارهای مدرن و پیشرفته نیز به کار می گیرند. سازمان ملل نیز با تنظیم قراردادهای بین المللی کشورهای جهان را توصیه و بعضاً ملزم به پیوستن به این معاهدات می کند تا با معضل مواد مخدر به شکل سازمان یافته و روشمند مقابله شود. این همه اقدامات هم متعلق به سالهای اخیر نیست بلکه از زمان وارد شدن به انقلاب صنعتی در اوایل قرن هجدهم، بالای مواد مخدر بشریت را گرفتار خود کرده است.

حدود ۱۰ میلیون نفر در جهان، در شبکه های مختلف قاچاق مواد مخدر اعم از تولید، ترانزیت و فروش آن فعالیت می کنند تا مواد مورد نیاز بیش از ۲۲۴ میلیون نفر مصرف کننده مواد مخدر جهان را تأمین نمایند. وجود این تعداد معتاد در جهان، بهترین بازار مصرف و مهم ترین شاخص تحرک باندهای مافیایی به شمار می آید (بولتن ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۸۲: ۱۱).

روند رو به رشد قاچاق مواد مخدر و اعتیاد به آن در بیشتر کشورها آن را به عنوان یک ابزار سیاسی با اهداف استعماری در آورده است که در این میان نقش مافیای جهانی با پشتوانه کشورهای ذی نفوذ بسیار بحث برانگیز است.

گردش مالی تولید، توزیع و انتقال مواد مخدر بعد از تجارت اسلحه بیشترین رقم را در جهان به خود اختصاص داده است. یعنی حتی از در آمد نفت و انرژی بیشتر است. یک هزار و پانصد میلیارد دلار در سال، حاصل کار اقتصادی از ناحیه مواد مخدر است که اگر ۳۰ درصد بیشتر سود داشته باشد، چیزی حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیارد دلار سود این تجارت مرگ است (خاتمی، ۱۳۸۲). بازتاب پدیده مواد مخدر چنان انعکاس وسیعی در سطح جهان داشته که همواره ذهن اندیشمندان مسائل انسانی و ... را برای تدوین یک سیاست جهانی به خود مشغول کرده است.

در این میان باید گفت لااقل در سه دهه اخیر، بزرگترین کانون کشت خشخاش و تولید مرفین و هروئین در جهان، در منطقه موسوم به هلال طلایی (افغانستان و پاکستان) فعال بوده است. البته لازم به توضیح است که ایران هم قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به لحاظ این که در کشت خشخاش فعال بود، در زمره کشورهای هلال طلایی قرار داشت. اما پس از پیروزی انقلاب برابر لایحه قانونی شورای انقلاب اسلامی کشت خشخاش و تولید مواد مخدر به طور کلی ممنوع اعلام شد و تاکنون نیز این ممنوعیت ادامه داشته است.

مضافاً اینکه پاکستان نیز اگرچه در محدوده منطقه هلال طلایی قرار دارد و لیکن در سالهای اخیر به دلیل سرمایه‌گذاریهای سازمان ملل در این کشور و اهتمام دولتمردان آن در جلوگیری از کشت خشخاش، تقریباً کشت خشخاش در این کشور به مرز صفر رسیده است و یا در حد بسیار کم، آن هم به صورت پراکنده و در مناطق «خود مختار» کشت صورت می‌گیرد (عُنجی، ۱۳۸۴: ۳۵).

با این توصیف مشخص می‌شود که در حال حاضر افغانستان بزرگترین کشت کننده خشخاش و تولید مواد مخدر غیرقانونی در جهان است، به طوری که برابر آمارهای دریافت شده از منابع مختلف در سال ۲۰۰۵، بیش از ۱۰۰ هزار هکتار از زمینهای زراعی این کشور زیر کشت خشخاش رفته است که محصول تریاک آن به



۴۲۰۰ تن می‌رسد ( دفتر مقابله با جرایم و مواد مخدر سازمان ملل، UNODC, 2005: 12).

در هر صورت، افغانستان به عنوان بزرگترین تولیدکننده تریاک جهان همچنان مرکز درگیری و جدال جوامع جهانی در خصوص کاهش تولید و دسترسی آسان به هروئین می‌باشد. به طوری که ۷۵ تا ۸۰ درصد مواد افیونی دنیا از کشور افغانستان تأمین می‌شود ( بولتن ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۸۴: ۱۵).

بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر و وجود خلاء قدرت ناشی از سقوط طالبان در افغانستان، کشت خشخاش و تولید مواد مخدر در آن کشور شتاب فرایندهای به خود گرفته و متأسفانه تحرکات سریع باندهای مافیایی، وضعیت نابسامان اقتصادی، بازگشت مهاجرین و مهم‌تر از همه فقدان حاکمیت مقتدر و باثبات در افغانستان بر دامنه تهدید معضل تولید و قاچاق مواد مخدر افزوده است (هاشمی، ۱۳۸۳: ۴۵).

برابر دیدگاه صاحب‌نظران حوزه امنیت، ایران با برخورداری بودن از برتری منطقه‌ای می‌تواند با جلب همکاری‌های بین‌المللی و تعامل با کشورهای منطقه پیش‌تاز و هدایتگر مبارزه با مواد مخدر شود. در حال حاضر وضع این چنین نیست و همواره منتظر تحسین غریبها هستیم که باورمان بیاید که واقعاً در مبارزه با مواد مخدر مصمم هستیم. رویکرد قدرتهای خارجی در برخورد با مسئله کشت خشخاش در افغانستان، خصوصاً پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، باعث افزایش کشت شده است. برخورد دوگانه کشورهای غربی و خصوصاً آمریکا در مقابله با کشت، ناشی از «واکنش جبرانی»<sup>۱</sup> در انتقال محل کشت خشخاش از افغانستان به سایر مناطق جهان از جمله آسیای شرقی، مرکزی و آمریکای جنوبی می‌باشد. زیرا این مراکز منابع اصلی تأمین هروئین مصرفی بازار پررونق آمریکا و کشورهای غربی هستند و در نتیجه آنها را با تهدید جدی‌تری مواجه می‌کند. از این رو برخوردهای انفعالی قدرتهای بزرگ با معضل کشت گیاهان

---

1- Balloon Effect

تخدیری و تولید مواد مخدر در افغانستان نشان می‌دهد که آنها تمایلی به برخورد جدی با این پدیده شوم ندارند.

سودآوری قاچاق مواد مخدر در تمامی نقاط جهان و دست داشتن برخی از مقامهای دولتی در کشورهایی که کانون تولید مواد مخدر به حساب می‌آید از دیگر عوامل فعال و پایداری شبکه‌های مافیایی قاچاق مواد مخدر است. برای اثبات این موضوع می‌توان به تلاشهای نافرجام و عقیم دولتمردان افغانستان و پاکستان در جلوگیری از کشت خشخاش، لااقل در دو دهه اخیر بایستی اذعان کرد که حاکمان کشورهای یاد شده، حتی برای مبرا شدن از فشار افکار عمومی جهانیان و تداوم حاکمیت خود در مقابله با تولید مواد مخدر در قول و عمل تا حد امکان مصمم بوده‌اند و لیکن به دلیلی که گفته شد، موفقیتی به دست نیاورده‌اند (غنجدی، ۱۳۸۴: ۳۵).

پدیده مواد مخدر به حدی مهم است که جزو چهار بحران اصلی جهان قرار دارد. البته با این تفاوت که آثار بحران مواد مخدر از مسئله اتمی بسیار مهمتر است. چون تهدید اتمی یک تهدید بالقوه است، اما تهدید مواد مخدر یک تهدید بالفعل و معضل جاری جوامع است و شاید بتوان آن را به زلزله سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تشبیه کرد، زیرا مواد مخدر و اعتیاد آثار بطنی و مستمر دارد.

در حال حاضر بیش از ۲۲۴/۶ میلیون مصرف‌کننده رسمی مواد مخدر وجود دارد که شامل ۵ درصد جمعیت ۱۵ تا ۶۴ ساله می‌شود. از این تعداد ۱۶۰/۹ میلیون مصرف‌کننده (حشیش)؛ ۳۴/۱ میلیون (مواد صنعتی) ۱۳/۷ میلیون نفر (کوکائین)؛ ۱۵/۹ میلیون نفر (مواد افیونی) می‌باشند.

جدول شماره ۱: آمار مصرف کنندگان مواد مخدر در جهان

| برآورد میزان سوء مصرف مواد مخدر (همه‌گیری سالانه*) ۲۰۰۳-۲۰۰۴                                                                                              |       |       |                         |         |         |          |        |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------|-------|-------------------------|---------|---------|----------|--------|
| نوع مواد                                                                                                                                                  | جمع   | حشیش  | محرک‌های نوع<br>آفتامین |         | کوکائین | م.افیونی | هروئین |
|                                                                                                                                                           |       |       | آفتامین                 | اکستاسی |         |          |        |
| میلیون<br>نفر                                                                                                                                             | ۲۲۴/۶ | ۱۶۰/۹ | ۲۹/۶                    | ۸/۳     | ۱۳/۳    | ۱۵/۲     | ۹/۲    |
| درصد                                                                                                                                                      | ۵     | ۴     | ۰/۶                     | ۰/۲     | ۰/۳     | ۰/۴      | ۰/۲۳   |
| *همه‌گیری سالانه، معیار تعداد یا درصد افرادی است که حداقل یک مرتبه طی ۱۲ ماه پیش از انجام ارزیابی، یک ماده مخدر را مصرف کرده‌اند. (منبع: UNODC, 2004: 12) |       |       |                         |         |         |          |        |

## یافته‌های تحقیق

داده‌های خام مربوط به موضوع تحقیق زیر عنوان ژئوپلیتیک مواد مخدر مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، سپس همین مباحث در جای خود مورد تجزیه و تحلیل واقع می‌شود.

## ضعف حوزه‌های ژئوپلیتیکی مواد مخدر در جنوب غرب آسیا

## چالش‌های ژئوپلیتیکی مواد مخدر در افغانستان

الف) عدم دسترسی به آب‌های آزاد و محاط بودن در خشکی، عدم ثبات سیاسی، اقتصادی و امنیتی به خاطر نزدیک سه دهه جنگ و ناآرامیهای داخلی میان اقوام، ظهور و حاکمیت نزدیک یک دهه گروه طالبان، تهاجم آمریکا و هم‌پیمانانش به این کشور در سال ۲۰۰۱، دخالتها و حمایت‌های پاکستان از گروه‌های مخالف آرامش افغانستان و ...

همگی از چالشهای ژئوپلیتیکی و از دلایل روی آوردن مردم افغانستان به کشت خشخاش است.

ب) شاید بتوان گفت مناسبترین مصادیق، عوامل ثابت (موقعیت جغرافیایی، وضع توپوگرافی، شبکه آبها، ناهمواریها و شکل کشور) و متغیر (جمعیت، منابع، بافت سیاسی و اجتماعی و ویژگیهای نظام بین الملل) که بر ژئوپلیتیک مؤثر است، در مورد کشور افغانستان صدق می کنند. عوامل یاد شده تمامی جنبه های سیاسی این کشور را در خود افغانستان، کشورهای منطقه و جهان تحت تأثیر قرار داده است.

ج) با توجه به اینکه همواره عمده کشت خشخاش افغانستان در استانهای پشتون نشین (طالبان) مانند هلمند، قندهار و ننگرهار انجام می شود که این قوم نیز مورد حمایت دولت پاکستان می باشد. دولت پاکستان در دوره حاکمیت طالبان از این گروه حمایت می کرد و هم اکنون نیز علی رغم قرار گرفتن در جبهه آمریکا، از آنها جانبداری می کند. البته دولت پاکستان ضمن رد کردن همکاری با تروریستها، ریشه اصلی مشکلات را شرایط ژئوپلیتیکی مرزهای افغانستان و پاکستان اعلام کرده است. به نظر می رسد پاکستانیها در عین همکاری با آمریکا، به شکلی ناملموس تر در پی اهداف خود هستند (قنبرلو، ۱۳۸۴: ۹).

د) مستعد بودن زمینهای زراعی این کشور در کشت خشخاش، به طوری که از هر هکتار کشت خشخاش بیش از ۴۵ کیلوگرم تریاک استحصال می شود. این عامل اقلیمی باعث شده تا کشاورزان، کشت خشخاش را به خاطر سودآوری بالا به دیگر محصولات زراعی ترجیح دهند.

ز) برخوردهای انفعالی غربیها با کشت خشخاش؛ علی رغم ادعاهای قدرتهای جهانی خصوصاً آمریکا در مقابله با تولید مواد مخدر و قول همکاری به دولت افغانستان مبنی بر پرداخت دلار در برابر عدم کشت عملاً نه تنها اقدام عملی نکردند بلکه تصور می شود که آنها از جریان کشت و تولید مواد مخدر به نحوی حمایت

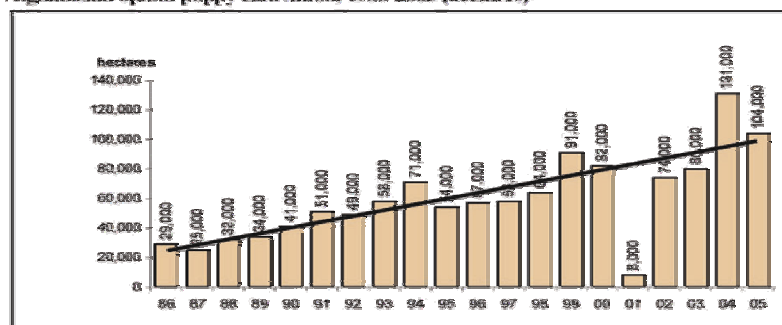
می‌کنند. مستدل‌ترین گواه در اتخاذ «استراتژی انفعالی» غربیها، عدم اقدام در انهدام لابراتوارهای تولید و تبدیل مواد مخدر در خاک پاکستان و افغانستان است. آنها نزدیک شش سال است که در افغانستان حضور نظامی دارند و به تجهیزات و امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری (منابع اطلاعاتی از مردم عادی گرفته تا دولتمردان افغانستان) و ... مجهزند. در چنین شرایطی اگر قصد برخورد با تولید مواد مخدر را داشتند، می‌توانستند در کمترین زمان اقدام نمایند. در حالی که طالبان با آن روحیه بدوی و تحجرگونه خود در سال ۲۰۰۲ طی صدور فرمانی کشت خشخاش را ممنوع و کشاورزان را به مجازات سنگین تهدید و در نهایت آنها را از ادامه کشت منع کرد به طوری که در سه دهه اخیر تاریخ کشت خشخاش افغانستان کمترین میزان کشت در سال ۲۰۰۱ بود که ۷۰۶۷ هکتار کشت شد. البته باید خاطر نشان کرد که این اقدام طالبان تاکتیکی بیش نبود. او بر اثر فشار افکار عمومی جهانیان به دنبال به دست آوردن مشروعیت سیاسی در محافل بین‌المللی بود تا دولتش به رسمیت شناخته شود. جدول و نمودار ذیل گویای این حقیقت است (غنچی، ۱۳۸۴: ۱۵).

جدول ۲ و نمودار ۱: کشت خشخاش در افغانستان در سالهای ۲۰۰۵-۱۹۹۶

Afghanistan opium poppy cultivation, 1994-2005 (hectares)

| 1994   | 1995   | 1996   | 1997   | 1998   | 1999   | 2000   | 2001  | 2002   | 2003   | 2004    | 2005    |
|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|-------|--------|--------|---------|---------|
| 71,000 | 54,000 | 57,000 | 58,000 | 64,000 | 91,000 | 82,000 | 8,000 | 74,000 | 80,000 | 131,000 | 104,000 |

Afghanistan opium poppy cultivation, 1996-2005 (hectares)



منبع: (دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل: ۲۰۰۵)

ه) امنیت در این کشور به دلیل شرایط ویژه و گسترش نیروهای طالبان در مناطق جنوبی و غربی (همجوار با ایران) دچار معضل شده است. پاکستان همواره به دنبال آن است که با تقویت و حمایت نیروهای طالبان نفوذ خود را در افغانستان به ویژه در مناطق غرب افغانستان تأمین نماید. با پایان رسیدن طرح دیوراند<sup>۱</sup> و سخنان آقای کرزی در خصوص «آن طرف سرحد» مقامهای پاکستانی را نگران کرده است. در همین زمینه پاکستان در سال جاری در چند مرحله ۷۰۰ نفر از نیروهای طالبان را تجهیز و به افغانستان اعزام نموده است. اخیراً آقای صبغت... مجدداً تصریح نموده که گروههای تروریستی با حمایت پاکستان وارد افغانستان می‌شوند (معاونت اطلاعات منطقه‌ای مرکز مبارزه با مواد مخدر ناجا، ۱۳۸۴: ۱۲).

و) حضور و فعالیت سران شبکه‌های قاچاق در منطقه حساس «برابچه» در حد فاصل استانهای هلمند و نیمروز؛ این منطقه که از نقاط استراتژیک شبکه‌های اصلی و سازمان یافته قاچاق مواد مخدر در افغانستان محسوب می‌شود. این منطقه با همکاری نیروهای ائتلاف به تصرف نیروهای دولتی افغانستان در آمد ولی مجدداً سران شبکه‌های قاچاق و با حمایت نیروهای طالبان، منطقه یاد شده را به تصرف خود درآوردند و نیروهای دولتی نیز منطقه را ترک کردند. مولوی شاه‌وزهی به عنوان نماینده طالبان در برابچه مستقر شده و اعلام نموده قاچاق مواد مخدر آزاد است و تاجران مواد باید زکات محصولشان را بدهند (همان: ۲۳).

---

۱- پشتونستان مهمترین موضوع مورد اختلاف دو کشور می‌باشد. خط مرزی دیوراند پشتونستان را تجزیه کرد و یک قسمت آن به حکومت انگلیسی هند تعلق گرفت و یک قسمت آن نیز در حمایت افغانستان باقی ماند. پس از خروج انگلیس از هند و استقلال آن کشور برای افغانستان این تصور پیش آمد که می‌تواند این منطقه را به خود الحاق کند اما با استدلال انگلستان، به دلیل این که منطقه جزو هند بوده و در ۱۹۴۷ به پاکستان ملحق شد لذا متعلق به این کشور است و در رأی‌گیری حاصله در پشتونستان نیز مردم به الحاق به پاکستان رأی دادند و از همین زمان اختلافات افغانستان با کشور پاکستان شروع شده و دولتهای وقت افغانستان بنا به مقتضیات هر از چندگاه قرارداد مرزی دیوراند را زیر سؤال می‌بردند.

### چالشهای ژئوپلیتیکی مواد مخدر در پاکستان

**الف)** پاکستان دارای مرزهای باز و بدون کنترل با کشورهای جمهوری اسلامی ایران، هند، افغانستان و چین است. به همین دلیل با چالشهای جدی در کنترل مواد مخدر روبرو بوده است. عمده تولید (ساخت) و قاچاق و ترانزیت مواد مخدر در ایالت بلوچستان صورت می گیرد. از جمله عوامل افزایش قاچاق مواد مخدر از لحاظ موقعیت جغرافیایی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- وجود زمین و محیط مناسب برای قاچاقچیان به منظور ترانزیت محموله های مواد مخدر؛
- گستردگی سرزمین به گونه ای که کنترل آنها برای نیروهای مقابله کننده مشکل می نماید؛
- استفاده قاچاقچیان از شیوه های پیچیده جاسازی و بهره گیری از تاریکی شب؛
- نزدیکی به دریای عمان و کشورهای حوزه خلیج فارس؛
- حضور قابل توجه اتباع آفریقایی در پاکستان و مبادرت آنها به قاچاق مواد مخدر؛

- از همه مهم تر عدم اعتقاد و پایبندی جدی مسئولان پاکستانی اعم از مقامهای سیاسی، قضایی و پلیس و دیگر دستگاههای ذی ربط به مقابله با مواد مخدر؛

**ب)** پاکستان اگر چه در سالهای اخیر کشت خشخاش را با همکاری سازمان ملل متوقف کرده است و لیکن این کشور به دلیل قرار گرفتن در همسایگی بزرگترین کانون تولید مواد افیونی در جهان (افغانستان) بیشترین تأثیر را از این کشور پذیرفته است. پاکستان به عنوان جولانگاه قاچاقچیان حرفه ای و بین المللی شناخته می شود. وجود مناطق قبایلی خود مختار و خاکستری مانند «خیبر»، «سرحد» و «مند» باعث شده تا لابراتوارهای متعددی برای تولید و تبدیل مواد مخدر در این کشور فعال باشند. در مناطق یاد شده انواع مواد مخدر و سلاح و مهمات به صورت آزاد خرید و فروش می شود. این

شرایط، موجب به وجود آمدن چالشهای ژئوپلیتیکی در مرزهای ایران و افغانستان شده است.

به گروگان گرفته شدن تعداد ۹ نفر از سربازان ناجا در اوائل دی ۱۳۸۴ در مرز شرقی توسط اشرار وابسته به القاعده و انتقال آنان به پاکستان از نمونه‌های بارز امن بودن این کشور برای اشرار و قاچاقچیان است. خاطر نشان می‌کند قبل از آن نیز اشرار مسلح تعداد چهار نفر از کارکنان ناجا را به گروگان گرفتند و پس از چند روز آنان را به شهادت رساندند.

(ج) عدم صداقت دولت پاکستان با کشورهای همسایه خصوصاً ایران در شناسایی و دستگیری عناصر اصلی قاچاق مواد مخدر که همواره در خاک پاکستان آزادانه رفت و آمد دارند، از جمله چالشهای فرا روی همکاریهای منطقه‌ای در مقابله با مواد مخدر است.

(د) وجود بیش از پنج میلیون نفر معتاد، منابع انسانی این کشور را تهدید می‌کند (مجله همراه، اردیبهشت ۱۳۸۳: ۲۶). لازم به یادآوری است این رشد از نگاه معیارهای جهانی، رشد بسیار بالایی در میان کشورهای جهان است. بخش عمده‌ی مواد مصرفی این افراد از افغانستان تأمین می‌شود.

(ه) دست داشتن و آلوده بودن برخی مسئولان و عناصر دستگاهها دولتی در کار قاچاق مواد مخدر به صورت مستقیم و غیر مستقیم از چالشهای مبارزه با مواد مخدر در پاکستان است.

(و) گرایش اقشار جوان به فرهنگ غربی و مصرف مواد صنعتی از جمله مشکلات فرا روی حال و آینده این کشور است.



### چالشهای ژئوپلیتیکی مواد مخدر در ایران

**الف)** ایران، به خاطر قرار گرفتن در مجاورت بزرگترین کانون تولید مواد افیونی و همچنین واقع شدن در مسیر ترانزیت نزدیک یک دوم مواد تولیدی افغانستان، حساس‌ترین موقعیت ژئوپلیتیکی را در میان سایر کشورهای منطقه و حتی جهان دارد. سرزمین ایران مناسب‌ترین و تقریباً آسان‌ترین و نزدیک‌ترین مسیر قاچاق مواد مخدر به قصد کشورهای اروپایی است.

**ب)** طولانی بودن مرز شرقی ایران با کشور افغانستان و پاکستان (نزدیک ۲۰۰۰ کیلومتر) و وضع توپوگرافی خاص مرز و حاشیه مرز شرقی از سمت ایران، کنترل مرز را در جلوگیری از ورود کاروانهای قاچاق مواد مخدر با مشکل مواجه کرده است. این، در حالی است که تاکنون اقدامات مهندسی متنوعی در نوار مرز انجام شده است و همچنین بیش از ۵۰ هزار نفر از نیروهای انتظامی در قالب قرارگاههای عملیاتی- تاکتیکی و هنگ‌های مرزی و دسته‌های مبارزه با مواد مخدر در برخورد با ناامنیهای ناشی از ورود و حمل مواد مخدر مشغول خدمت‌اند؛ و لیکن همچنان با ورود مواد مخدر به داخل کشور مواجه هستیم.

**ج)** داشتن بیشترین همسایه؛ جمهوری اسلامی ایران به همراه چین پس از فدراسیون روسیه دارای بیشترین همسایه (۱۵ کشور) در جهان است (محمدی، ۱۳۸۳: ۱۸۲) چنین موقعیتی فضای سرزمینی ایران را برای ورود انواع مواد مخدر اعم از طبیعی و صنعتی و همچنین خروج مواد طبیعی مانند مواد افیونی و حشیش مستعد کرده است و از این روست که کشور ما همواره به عنوان مناسب‌ترین کشور ترانزیت به حساب می‌آید.

**د)** محروم بودن استانهای شرقی و نبود فرصتهای شغلی، بستر مناسبی را برای روی آوردن افراد به قاچاق مواد مخدر فراهم کرده است.

ح) بافت مذهبی حاکم در استان سیستان و بلوچستان (اهل تسنن) زمینه‌ساز گرایش به قاچاق مواد مخدر است. علما و بزرگان آنها خرید و فروش مواد مخدر را بلامانع می‌دانند و لذا این نوع نگاه موجب از بین رفتن قبح داد و ستد و قاچاق مواد مخدر در حساس‌ترین نقطه یعنی مبادی ورودی شده است.

ز) جوان بودن جمعیت ایران به عنوان یک عامل متغیر ژئوپلیتیکی بیشترین آسیب‌پذیری را در گرایش افراد به قاچاق و اعتیاد موجب شده است.

و) فقدان سیاستهای کلان، استراتژی و برنامه ملی برای مقابله با مواد مخدر در ابعاد مختلف، مانند مقابله با عرضه و تقاضا، درمان و پیشگیری پس از یک‌ربع قرن.

ه) عدم وفاق و هماهنگی و اعمال سلیقه‌های انتفاعی و انحصاری بخشی‌نگر میان دستگاههای دست‌اندرکار و عضو ستاد مبارزه با مواد مخدر از چالشهای مأموریت مبارزه با مواد مخدر بوده است. از دلایل ضعف این مهم، می‌توان به نبود برنامه کلان اشاره کرد.

### تجزیه و تحلیل

قاچاق بین‌المللی مواد مخدر به عنوان یکی از سودآورترین معاملات جهانی پس از قاچاق سلاح، در بین اشخاص حقیقی و حقوقی بین‌المللی جایگاهی ویژه دارد. قاچاق مواد مخدر در سطح بین‌المللی جدا از منافع کلان مادی، آثار و منافع سیاسی نیز برای دولتها و قدرتها داشته است.

تجارت غیرقانونی و قاچاق مواد مخدر، نمی‌تواند از مسائل سیاسی به دور باشد و مسئله قاچاق مواد مخدر در دهه‌های گذشته با سیاست آمیخته بوده است. سازمانهای مافیایی و تبهکاری که در امر قاچاق مواد مخدر فعالیت دارند، با برخی از دولتها در ارتباط هستند یا در مراکز قدرت داخلی و بین‌المللی نفوذ دارند.

نفوذ سازمانها و باندهای بین‌المللی قاچاق مواد مخدر در سیاست و سیاستمداران از آنجا که هدف سیاسیون رسیدن به قدرت است و برای تحقق این هدف ابزار مهم آن،

اقتصاد و تبلیغات است و از سوی دیگر هزینه قدرت سیاسی بالا می‌باشد و تأمین آن در چرخه اقتصادی کشور ممکن نیست و تنها باب به گردش در آمدن قاچاق مواد مخدر و سود حاصله آن در سیستم اقتصادی میسر است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که سازمانها و باندهای بین‌المللی قاچاق مواد مخدر در سیاست و سیاستمداران اعم از داخلی و بین‌المللی نفوذ مؤثر دارند.

نمونه بارز پیوند کشورها با موضوع مواد مخدر را در افغانستان می‌توان مشاهده کرد. ارتباط مواد مخدر با سیاست در افغانستان به گونه‌ای است که حیات اقتصادی و تداوم حاکمیت قومیتها به آن وابسته است. در اینجا به نمونه‌های تأثیر تولید و قاچاق مواد مخدر در حوزه سیاست در برهه‌های قبل از طالبان، دوره حاکمیت طالبان و پس از فروپاشی این گروه اشاره می‌شود:

**الف) تأمین منابع مالی نیروهای جهادی از محل تولید مواد مخدر:** در گذشته و پیش از اشغال افغانستان و همچنین قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، عمده مواد مخدر تولیدی در منطقه هلال طلایی در دو کشور پاکستان و ایران صورت می‌گرفت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، علی‌رغم برخوردار بودن ایران از مجوز کشت قانونی خشخاش برای مصارف پزشکی، کشت آن با مصوبه شورای انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۹ خرداد ۱۳۵۹ به طور کلی ممنوع و در قانون مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز که در تاریخ ۸ آبان ۱۳۶۷ تصویب شد بر ممنوعیت مطلق کشت خشخاش تأکید مجدد شد.

همزمان با این تحولات در ایران، در افغانستان برعکس شرایط ایران اتفاق افتاد و آن تجاوز نظامی نیروهای شوروی سابق به افغانستان در سال ۱۹۷۹ بود. حمایت از تولید و قاچاق مواد مخدر یکی از اصلی‌ترین منابع مالی برای تهیه نیازمندیهای تدارکاتی، تسلیحاتی و... گروههای جهادی با اهداف سیاسی و مقاومت در مقابل رقیب بلامنازع بلوک غرب یعنی شوروی سابق به منصه ظهور رسید.

### ب) ظهور و حیات حاکمیت طالبان با منابع تولید و قاچاق مواد مخدر: در دوره

سلطه گروه طالبان بر افغانستان که این گروه نیز با حمایت‌های غیر مستقیم جهان غرب و با کمک‌های مختلف پاکستان و برخی از کشورهای عربی در این کشور به قدرت رسید تولید و قاچاق مواد مخدر نقش اساسی برای بقای حکومت آنها داشت. تولید بیش از ۴۶۰۰ تن تریاک در سال ۱۹۹۹ در دوره زمامداری طالبان صورت گرفت. البته کمترین کشت هم در دوره حاکمیت طالبان با هدف به دست آوردن مشروعیت سیاسی در محافل بین‌المللی در سال ۲۰۰۱ (۷۰۰۰ هکتار یا ۲۰۰ تن محصول تریاک) اتفاق افتاد. اما در همین دوره اتفاق دیگری روی داد و آن افزایش ۳۵۰ درصدی قیمت تریاک بود. در دوره اوج حاکمیت طالبان که قیمت هر کیلو تریاک نزدیک ۳۰ دلار بود، یک مرتبه تا ۳۵۰ دلار پیش رفت و در عمل طالبان، مجدداً منابع مالی خودش را از محل دریافت مالیات و یا زکات تأمین کرد (UNODC, 2005).

### ج) دست داشتن مسئولان دولتی افغانستان در تولید و قاچاق مواد مخدر: اساساً

اقتصاد افغانستان وابسته به مواد مخدر بوده است. به دلیل ضعف زیر ساختارها در این کشور عمده ممر درآمد خانوارها از راه کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر به عنوان سهل الوصول‌ترین و دست یافتنی‌ترین شغل و معاش به حساب می‌آید. در عرصه جدید و در پنج سال گذشته، پس از روی کار آمدن دولت کرزای شاهد این هستیم که مقامات بلند پایه دولتی و رجال سیاسی این کشور هر یک به طریقی در تولید و قاچاق و یا حمایت از کشت خشخاش دست دارند، چه آنهایی که از دوران جهاد علیه روسها آلوده این کار شده‌اند - و در گذر زمان، حیثیت و حرمت کاذبی را به دلیل نقش داشتن در مناصب و فعالیتهای دولتی و حکومتی به دست آورده‌اند و هم اکنون نیز یا سمتهای مهمی داشته و یا در جریانات سیاسی نقش دارند- و کماکان به تجارت مواد مخدر ادامه داده و بلکه تقویت نموده‌اند. در این میان، خارجیها بی‌فیض نمانده و علاوه بر باج‌ستانی از مافیای

بین‌المللی از نزدیک سهم خود را بهتر و راحت‌تر نقد می‌کنند. (تحلیل محقق که مبتنی بر اطلاعات ارسالی از افغانستان است).

(د) تأمین شدن بخشی از در آمد پاکستان از راه تولید و قاچاق مواد مخدر: منابع اطلاعاتی در اسلام آباد که با عوامل FBI همکاری دارند گفته‌اند ... ضمن دست داشتن افراد دولتی پاکستان بویژه سرویسهای اطلاعاتی در کار قاچاق هروئین، درآمدهای غیر قانونی ناشی از قاچاق هروئین از سال ۱۹۹۰ اقتصاد این کشور را فعال نگه داشته و از سقوط آن جلوگیری کرده است (خبرنامه شماره ۱۴ مرکز مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۸۰، به نقل از هفته نامه Independent دسامبر ۱۹۹۹).

(ز) مدیریت غیر مستقیم جریان کشت خشخاش توسط غربیها: افزایش مجدد کشت خشخاش در حکومت موقت افغانستان (دولت کرزی) با وجود حضور چشمگیر نظامیان آمریکایی و کشورهای غربی در این کشور و ادعاهای آنها در مقابله با تولید مواد مخدر؛ به طوری که روند کشت خشخاش و تولید مواد مخدر در این کشور نشان می‌دهد نه تنها کشورهای غربی تمایل به برخورد جدی با مسئله کشت ندارند بلکه تصور می‌شود که آنها به صورت غیر مستقیم موضوع تداوم کشت را مدیریت می‌کنند. دلیل آن افزایش کشت خشخاش در سالهای اخیر است. برابر گزارش سازمان ملل در سالهای ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ به ترتیب ۱۳۰ هزار و ۱۰۳ هزار هکتار از زمینهای زراعی افغانستان زیر کشت خشخاش رفت. آمریکاییها در بهار ۱۳۸۴ مدعی شدند که دولت کرزی در مبارزه با مواد مخدر جدیت کافی نشان نمی‌دهد. این ادعای آمریکاییها باعث شد که آقای کرزی هم موضعگیری و افشاگری نماید. وی اعلام کرد در مناطقی از افغانستان که نیروهای افغانستان حضور دارد کشت خشخاش کاهش یافته است، اما در مناطقی که مسئولیت آن با نیروهای انگلیسی و آمریکایی می‌باشد کشت و تولید و قاچاق مواد مخدر افزایش یافته است (ملازهی، ۱۳۸۴: [www.dari.irib.ir](http://www.dari.irib.ir)).

قدرتهای غربی که پس از حادثه ۱۱ سپتامبر در افغانستان حضور نظامی پیدا کرده‌اند، به تمامی اوضاع و احوال سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و حتی به مناطق کشت خشخاش و محلهای تبدیل مواد مخدر آشنایی کامل دارند. با این وضعیت اگر آنها قصد مقابله جدی با کشت خشخاش و تولید مواد داشته باشند مطمئناً در کمترین مدت می‌توانند در امحاء کشت و برچیدن لابراتوارهای تولید مواد مخدر و دستگیری عناصر اصلی در کشت، تولید و قاچاق اقدام نمایند.

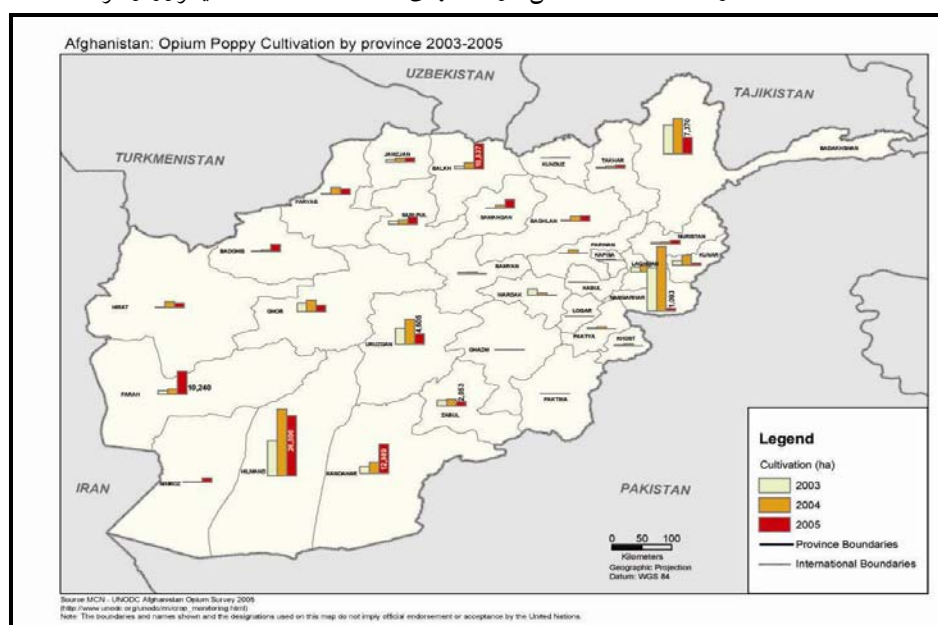
#### ح) عدم تمایل و اقدام غریبها به انهدام لابراتوارهای تولید مواد مخدر:

کشورهای غربی به سرکردگی آمریکا نزدیک شش سال است که در افغانستان حضور دارند و به پیشرفته‌ترین تسلیحات و تجهیزات مجهزند و از همه مهم‌تر به منابع و عوامل اطلاعاتی دسترسی دارند، به طوری که در هر زمان و مکان قصد انجام عملیاتی علیه گروهها و هدفهای خود داشته باشند در کمترین زمان می‌توانند اجرا نمایند. از سوی دیگر غریبها همواره مدعی بوده‌اند که نزدیک ۸۰ درصد هروئین جهان از مبدأ افغانستان تأمین می‌شود. آنها به واسطه اشرافیت همه جانبه‌ای که به این کشور دارند اگر بخواهند با تولید مواد مخدر برخورد نمایند، به راحتی و با قدرت تمام می‌توانند نسبت به انهدام لابراتوارهای تبدیل مواد مخدر و دستگیری عناصر اصلی آنها اقدام کنند، اما در عمل ملاحظه می‌شود که تاکنون اراده و اقدام مؤثری از خود نشان نداده‌اند. فراتر از این باید اذعان کرد که غریبها علی‌رغم ادعاهای خود در مقابله با مواد مخدر، از روند تولید مواد مخدر در افغانستان (که قریب یک دوم مقدار مواد تولیدی وارد ایران می‌شود) نه تنها کاملاً بی‌تفاوتند بلکه احساس توفیق اجباری هم دارند. چرا که این وضعیت از سویی موجب سرگرم شدن بیش از پنجاه هزار از نیروهای پلیس در مقابله با مواد مخدر و از سوی دیگر گسترش اعتیاد و آلوده و منفعل شدن اقشار جوان و فعال کشور می‌شود که وجود آمدن چنین شرایطی در راستای تأمین اهداف دشمنان جمهوری اسلامی ایران است.

استفادهٔ ابزاری قدرتهای جهانی از مواد مخدر علیه کشورهای مخالف با هدف تضعیف و جلوگیری از رشد و توسعهٔ آنها، صورت دیگری از تأثیر قدرت زایی مواد مخدر در حوزهٔ سیاست است.

و) اقدام به کشت خشخاش در استانهای همسایهٔ ایران: کشت خشخاش در استانهای غرب و جنوب غربی افغانستان مانند استانهای فراه و نیمروز از اتفاقات ژئوپلیتیکی است که حساب شده در همسایگی ایران روی می دهد. در سالهای گذشته در استانهای مذکور کشت خشخاش انجام نمی شد. همواره عمدهٔ کشت خشخاش افغانستان در ولایات هلمند و ننگرهار و ارزگان و... صورت می گرفت رویداد اخیر در فعال شدن استانهای همسایهٔ ایران، به نظر می رسد در راستای تحقق اهداف و خواسته های قدرتهای مستقر در افغانستان است تا از این طریق بتوانند مزاحمت بیشتری برای جمهوری اسلامی فراهم نمایند. نقشهٔ شماره ۲ گویای این مطلب است.

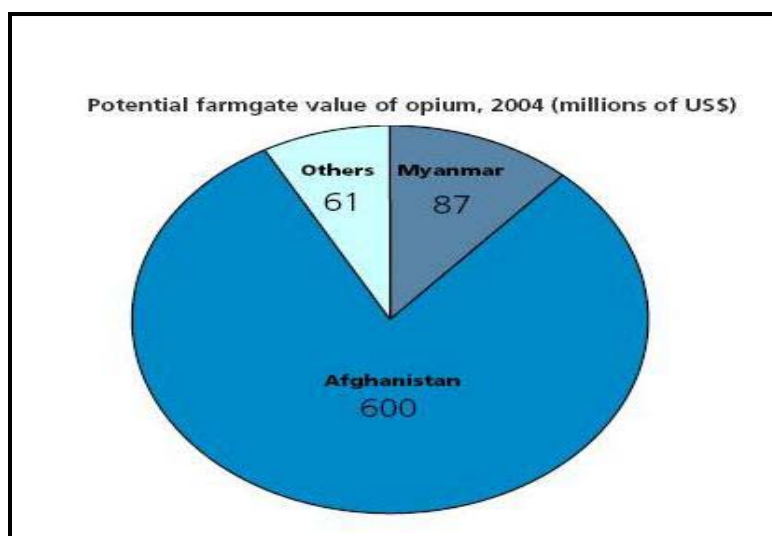
نقشهٔ شماره ۲: کشت خشخاش در استانهای مختلف افغانستان (نیمروز و فراه)



(منبع : UNODC, 2005)

ه) سودآوری قاچاق مواد مخدر از اصلی‌ترین دلایل قاچاق است: از آنجایی که از دلایل عمده گرایش به قاچاق مواد مخدر، سود آوری و داشتن ارزش افزوده آن است، لذا قاچاقچیان با پذیرفتن مشکلات و خطرپذیری ناشی از مجازات تعیین شده، مبادرت به این بزه می‌نمایند. این افراد در روزهای اول و با چند مرتبه معامله، وارد جرگه قاچاقچیگری نمی‌شوند بلکه با انجام داد و ستدهای متعدد دارای سرمایه و تجربیات می‌شوند و سپس در پی تشکیل گروه بر می‌آیند تا از این طریق بتوانند با پذیرش کمترین خطر به بیشترین سود و دیگر اهداف خود برسند. بدین ترتیب باید گفت هیچ گروه و شبکه قاچاق مواد مخدر به یک باره شکل نگرفته و نمی‌گیرد بلکه با تحصیل منابع مالی هنگفت و تجربه کافی اقدام به قاچاق می‌نمایند.

نمودار ۲: ارزش قیمت تریاک در مزارع افغانستان، میانمار و سایر نقاط



ی) باز تولید قدرت در قالب شبکه‌های بزرگ مواد مخدر: وقتی که تشکیلات قاچاق در قالب گروههای کوچک شکل گرفت و به صورت سازمان‌یافته عمل کرد، آن هنگام، همین گروهها برای رسیدن به سود و قدرت بیشتر فعالیت‌شان را در قالب



شبکه‌های بزرگتر و در سطح وسیع دنبال می‌کنند. در چنین شرایطی است که اهداف قاچاقچیان از مسئله مالی فراتر رفته و وارد حوزه قدرت و سیاست شده و بعضاً در مقام ایجاد مزاحمت علیه حاکمیت بر می‌آیند. برای نمونه می‌توان به چند مورد زیر اشاره کرد:

- قاچاقچیان ایرانی تاکنون شرارتهای بی‌شماری علیه نیروهای مسلح خصوصاً ناجا، برخی ادارات دولتی، راه‌بندی، گروگانگیری و آدم‌ربایی و به شهادت رساندن تعداد زیادی از مأموران مبارزه با مواد مخدر به صورت گروهی انجام دادند. ۱۹ نفر شهدای کمیته انقلاب اسلامی سابق در سال ۱۳۶۲، ۴۰ نفر در نصرت آباد زاهدان، ۶۰ نفر در همان منطقه در سال ۱۳۷۱، ۱۳ نفر در کرمان، ۳۶ نفر در روستای گورناک ایرانشهر در سال ۱۳۷۸ و...؛

- در مثال برای افغانستان باید گفت همواره بسیاری از دولتمران این کشور در کار قاچاق مواد مخدر دست داشته‌اند.

- در پاکستان باید یادآوری کرد که بسیاری از گروههای قاچاق در مناطق قبایلی با خرید و فروش سلاح، به صورت خودمختار عمل می‌کنند و در مقابل حاکمیت سر بر نمی‌تابند و مقاومت می‌کنند.

- در کلمبیا که بزرگترین تولید کننده کوکائین می‌باشد، قاچاقچیان همواره برای حکومت مزاحمت ایجاد می‌نمایند. بزرگترین گروه چریکی (فارک) که بیش از ۴۰ سال با دولت در منازعه شدید می‌باشد با دریافت مالیات از قاچاقچیان منابع مالی خود را تأمین می‌کند.

## نتیجه گیری

قاچاق مواد مخدر یکی دو قرن گذشته با هدف استعمار دولتها و ملتها و در دهه های گذشته با رویکرد سیاسی \_ اقتصادی در آمیخته بوده است.

باندها و شبکه های سازمان یافته داخلی، منطقه ای و بین المللی قاچاق مواد مخدر یا با برخی از دولتها و قدرتها در ارتباط هستند و به نحوی با آنها در تعامل اند، یا در مراکز قدرت و عوامل دولتی نفوذ کرده اند.

قرار گرفتن در مسند و یا مراکز قدرت رسمی و یا غیر رسمی و یا نفوذ در آن در کشورهایی که با اقتصاد مواد مخدری اداره می شود نیازمند منابع مالی سنگینی است و تأمین آن در چرخه اقتصادی چنین کشورهایی ممکن نیست و تنها با به گردش درآمدن قاچاق مواد مخدر و تولید درآمد و سود حاصله آن در سیستم اقتصادی میسر است و استمرار این روند موجب باز تولید قدرت شبکه های قاچاق می شود. بنابراین می توان نتیجه گرفت که قاچاق مواد مخدر در کانونهای تولید و قاچاق مواد مخدر موجب قدرت آفرینی و تأثیر گذاری در حوزه سیاست و قدرت رسمی می شود.

علاوه بر این، قدرتهای جهانی از تولید و قاچاق مواد مخدر به عنوان ابزار و اهرم در جهت رسیدن به اهدافشان که در راستای حفظ منافع ملی و استراتژیکی خودشان باشد، استفاده می کنند. برخورد انفعالی و دوگانه غربیها با کشت خشخاش و تولید مواد مخدر در پنج سال اخیر پس از حادثه ۱۱ سپتامبر در افغانستان این نتیجه را ثابت کرد. با اینکه آمریکا و هم پیمانانش در این کشور حضور نظامی چشمگیر دارند و کشور انگلیس هم رسماً عهده دار مبارزه با مواد مخدر است و به منابع اطلاعاتی دسترسی و احاطه کامل دارند، عملاً نه تنها با کشت خشخاش و تولید مواد مخدر برخورد نکردند بلکه نوع برخورد اینها موجب افزایش تولید مواد مخدر هم گردید.

## چشم انداز مواد مخدر در دهه آینده

**الف) چشم انداز مواد مخدر در جهان:** با توجه به اینکه ساخت این گونه مواد، همانند مواد افیونی نیاز به مواد اولیه ندارد و در هر نقطه‌ای از جهان چنانچه گروه‌های تبهکاری اراده ساخت چنین موادی داشته باشند، با کمترین زحمت می‌توانند تولید نمایند. این کار به راحتی در آزمایشگاه‌های مخفی انجام می‌شود. این آزمایشگاه‌ها کوچک و سیار است و اصطلاحاً آنها را آزمایشگاه‌های خانگی (Kitchen Laboratories) می‌نامند، به محض شناسایی می‌توان نسبت به نقل و انتقال آنها اقدام کرد. غالباً تولید مواد صنعتی در نزدیکی محیط‌های آلوده به مصرف صورت می‌گیرد و بنابراین چندان به قاچاق بین‌المللی که کاری پر مخاطره است، نیازی نیست.

با آگاهی از اینکه داد و ستد و قاچاق مواد صنعتی در مقایسه با مواد طبیعی به دلیل اینکه بوی آن مانند مواد طبیعی قابل استشمام نیست و از طرفی در اندازه و اشکال قرص‌های مجاز تهیه می‌شود شناسایی و کشف آن بسیار دشوارتر از مواد مخدر طبیعی است؛

با یادآوری به اینکه برای اینگونه مواد از حیث قانونی در مقایسه با مواد طبیعی مجازات کمتری برای آن وضع شده و می‌شود؛

با اعتراف به اینکه شناخت داروهای صنعتی و تمیز دادن آن با داروهای مجاز برای پلیس کشورها و خصوصاً مأموران پلیس کشورمان در مقایسه با پلیس دیگر کشورها به لحاظ عدم آشنایی آنان با مکتوبات لاتین بسیار مشکل است؛

با شناخت این واقعیت که گروه‌های قاچاق مواد مخدر در تغییر اندازه و شکل دادن مواد صنعتی دارای ابتکار عمل هستند و همواره تلاش می‌کنند تا از حریف خود (پلیس) پیشی گیرند و ... لذا این ویژگی‌ها و شرایط که ترسیم‌کننده آینده پر رونق بازار مواد صنعتی می‌باشد قابل توجه و تأمل عمیق است، چرا که تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان می‌توانند به راحتی خود را با این شرایط وفق دهند.

و با درک این واقعیت که آزادسازی تجارت جهانی و گشوده شدن مرزها باعث تسریع و تسهیل قاچاق مواد مخدر می‌شود، لذا به نظر می‌رسد در پایان دهه آینده، یک چهارم معتادان جهان را مصرف کنندگان مواد صنعتی تشکیل می‌دهد. (هم اکنون از ۲۲۵ میلیون معتاد در جهان، نزدیک ۳۵ میلیون نفر آنان مصرف کننده مواد صنعتی هستند). آمار مصرف کنندگان جهانی مواد مخدر اعم از طبیعی و یا صنعتی در یک دهه دیگر (سال ۲۰۱۵) به ۳۲۰ تا ۳۵۰ میلیون خواهد رسید و همان‌گونه که اشاره شد یک چهارم آنها را مصرف کنندگان مواد صنعتی تشکیل خواهند داد. باتوجه به تأثیرات مخرب آن، در انحطاط اخلاقی آحاد جامعه بشری به مراتب بیشتر و عمیق‌تر از امروز خواهد بود.

**ب) چشم انداز مواد مخدر در افغانستان:** در صورتی که دولتهای آینده افغانستان مانند دولت فعلی، مورد حمایت آمریکا و غربیها باشد، سوابق عدم همکاری آنها در پنج سال گذشته نشان داد که انگیزه‌ای برای مقابله با کشت خشخاش در این کشور ندارند. دلایل متعددی برای نیات آنها قابل بررسی و تحلیل است. اولاً اینکه تولید مواد مخدر در افغانستان نه تنها با منافع ملی آنها تعارضی ندارد و چه بسا فرصتی است برای سرگرم کردن ایران اسلامی به منظور ایجاد مزاحمت.

شروع کشت خشخاش در سال ۲۰۰۵ در استانهای نیمروز و فراه که در مجاورت مرز شرقی ایران واقع است، مبین واقعیت بالا است. ثانیاً حمایت آنها از قاچاقچیان بزرگ و صاحب منصبان دست‌اندرکار در تولید و قاچاق مواد مخدر نشان می‌دهد که آنها به سعادت و پیشرفت افغانستان توجه ندارند. با در نظر گرفتن شرایط مزبور به نظر می‌رسد افغانستان لااقل دهه آینده نیز همچنان اولین کانون تولید مواد افیونی در دنیا خواهد بود. اگر بیشترین میزان سطح کشت در دهه گذشته را، کشت سال ۲۰۰۴ (۱۳۰ هزار هکتار) بدانیم، بعید به نظر نمی‌رسد که میزان کشت در دهه آینده از این میزان افزایش نیابد.

ج) چشم انداز مواد مخدر در کشورهای شرق آسیا: با آگاهی به اینکه طی سالهای اخیر هر دو کشور میانمار و لائوس به خاطر اجرای برنامه‌های ریشه‌کنی با کاهش کشت خشخاش مواجه بوده‌اند و این امر باعث کاهش ۶۰ درصدی آنها از سال ۱۹۹۶ به بعد شده است، انتظار می‌رود این روند در سال ۲۰۰۶ نیز ادامه یابد و اگر سالهای آتی این وضعیت استمرار یابد قطعاً منطقه جنوب شرق آسیا از نقشه تولید تریاک غیرقانونی جهان محو خواهد شد.

با توجه به گسترش فزاینده تولید مواد صنعتی از نوع متامفتامین در کشورهای شرق آسیا مانند میانمار، تایلند، چین، فیلیپین، کره، ژاپن و ... و با آگاهی از کم بازده و نامرغوب بودن تریاک تولیدی در کشورهای «منطقه مثلث طلایی» به نظر می‌رسد در دهه آینده کشت خشخاش و تولید مواد افیونی در دو کشور میانمار و لائوس با کاهش روبرو شده و جای خود را به مواد صنعتی می‌سپارد. به تعبیر دیگر باید گفت در پایان دهه آینده عمده‌ترین ماده مصرفی این منطقه مواد صنعتی خواهد بود.

د) چشم انداز مواد مخدر در کشورهای آمریکای لاتین: دو کشور کلمبیا و مکزیک در سالهای اخیر به کشت خشخاش روی آورده‌اند و از طرفی، سه کشور کلمبیا، بولیوی و پرو با کاهش کشت کوکا روبرو بوده‌اند؛ بنا براین، با توجه به تجربه تازه کشورهای کلمبیا و مکزیک در کشت خشخاش و با آگاهی از شیوع و گسترش بازار مصرف مواد افیونی و تا حدودی اشباع بودن کشورهای قاره آمریکا از مواد صنعتی به نظر می‌رسد کشت خشخاش در این منطقه به خصوص در کشورهای کلمبیا، مکزیک و حتی بولیوی و پرو در دهه آینده افزایش خواهد یافت. از اینکه در دهه آینده، کشورهای یاد شده پس از افغانستان به دومین کانون تولید تریاک در جهان تبدیل شوند، بعید به نظر نمی‌رسد.

ه) چشم انداز مواد مخدر در ایران: علی‌رغم برخوردهای سختی که علیه کشت‌کنندگان غیرقانونی خشخاش در بسیاری از استانهای کشور بویژه در مناطق شرق و حاشیه شرق صورت می‌گیرد، هر ساله با افزایش کشت غیر قانونی مواجه خواهیم شد و

مانند سالهای اخیر بخشی از توان عملیاتی نیروهای مبارزه کننده صرف مقابله با کشت خواهد شد. با توجه به اینکه اعتیاد به مواد صنعتی نوعی «اعتیاد پنهان» به حساب می آید، به این معنی که برآورد تقریبی آمار مصرف کنندگان این مواد بسیار دشوار است؛ و با اظهار نگرانی عمیق از روند رو به گسترش مصرف مواد صنعتی که ماهواره های خارجی نیز تشدید کننده این شیوع است و با آگاهی به اینکه ساخت و در دسترس قرار دادن این مواد در مقایسه با مواد افیونی بسیار سهل و کم درد سر است؛ به نظر می رسد در اواخر دهه آینده، لااقل یک پنجم مصرف کنندگان مواد مخدر را معتادان ماده صنعتی تشکیل می دهند. به عنوان مثال چنانچه در آینده سه تا سه و نیم میلیون نفر معتاد داشته باشیم ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار نفر آن مصرف کنندگان مواد صنعتی خواهند بود.

## منابع و مآخذ

- ۱- اداره کل مبارزه با مواد مخدر ناجا. (۱۳۷۵) یادنامه اولین کنگره علمی مواد مخدر و اعتیاد،
- ۲- اداره کل پلیس بین‌الملل. (۱۳۷۹) گزارش جهانی خشیش در سال ۱۹۹۹، ترجمه: اداره اطلاع رسانی.
- ۳- اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۸۳) حمل و تحویل تحت نظارت، ستاد مبارزه با مواد مخدر، نشر میزان.
- ۴- اسعدی، سید حسن. (۱۳۸۲) پژوهشی بنیادی در باره مواد مخدر، ناشر، مؤلف.
- ۵- انجمن ژئوپلیتیک ایران. (۱۳۸۳) مجموعه مقالات نخستین کنگره علمی انجمن ژئوپلیتیک ایران.
- ۶- ایازی، سید محمدهادی. (۱۳۸۳) جزوه درسی ژئوپلیتیک، منبع درسی دافوس ناجا. وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، تهران
- ۷- حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۲) مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، انتشارات سمت، تهران.
- ۸- دفتر مقابله با جرم و مواد مخدر سازمان ملل. (۱۳۸۳/۲۰۰۴) گزارش جهانی مواد مخدر. ترجمه: آرش پازوکی کارشناس اداره روابط بین‌الملل ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری.
- ۹- دفتر مواد مخدر و جرم سازمان ملل. (۱۳۸۲-۲۰۰۳) ارزیابی وضعیت اکستاسی و آمفتامینها در سال ۲۰۰۳، مترجم: ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری (نبوتی)
- ۱۰- رضایی، محسن. (۱۳۸۴) ایران منطقه‌ای، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران.
- ۱۱- زراعت‌پیشه، نجف. (۱۳۸۳) نظری اجمالی بر جغرافیای سیاسی- نظامی افغانستان، نشریه مرکز مطالعات جغرافیای نظامی، شماره ۱.
- ۱۲- زیم، هاشم. (۱۳۸۴) گزارش ویژه از وضعیت مواد مخدر افغانستان، ارسالی از افسر رابط مبارزه با مواد مخدر ناجا مستقر در کابل- سفارت جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۴- ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری. (۱۳۷۹) گزارش سفر هیئت اعزامی به افغانستان، انتشارات دبیرخانه ستاد مبارزه با مواد مخدر.
- ۱۵- سرانجام، یعقوب. (۱۳۸۴) کشت جایگزین مواد مخدر در افغانستان: از رؤیا تا واقعیت، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۶- عزتی، عزت الله. (۱۳۸۰) ژئوپلیتیک در قرن بیستم، انتشارات سمت، تهران.
- ۱۷- غُنْجی، علی. (۱۳۷۱ تا ۱۳۸۱) سلسله گزارشهای همایش تخصصی معاونتهای مبارزه با مواد مخدر.
- ۱۸- غُنْجی، علی. (۱۳۷۹) فرهنگ آموزشی مبارزه با مواد مخدر، انتشارات معاونت آموزش ناجا، تهران.
- ۱۹- غُنْجی، علی. (۱۳۷۹/۹ تا ۱۳۸۲/۱۲) خبرنامه اطلاع رسانی شماره ۴۰ تا ۴۰، اداره کل مبارزه با مواد مخدر ناجا
- ۲۰- غُنْجی، علی. (۱۳۸۴) ژئوپلیتیک مواد مخدر با تأکید بر تولید، ترانزیت و مصرف؛ مقاله برای دافوس.
- ۲۱- قنبرلو، عبدالله. (۱۳۸۴) سیاست پاکستان در افغانستان پس از طالبان، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲۲- محمدی، حمیدرضا. (۱۳۸۳) چالشهای ژئوپلیتیکی ایران در محیط پیرامونی دریای خزر، مجموعه مقالات اولین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران.

- ۲۳- مرتضوی، علی. (۱۳۸۲) قاچاق بین‌المللی مواد مخدر و حقوق بین‌الملل، دبیرخانه ستاد مبارزه با مواد مخدر، پژوهشکده ملی مطالعات مواد مخدر ایران، تهران.
- ۲۴- مرکز مبارزه با مواد مخدر ناجا- اطلاعات منطقه‌ای. (۱۳۸۳) گزارش سفر هیئت اعزامی به پاکستان.
- ۲۵- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی- تماد- (۱۳۸۰) گزارش به ریاست جمهوری وقت، با تأکید بر ضرورت کشت خشخاش جهت تأمین نیازهای دارویی کشور.
- ۲۶- هاشمی، علی. (۱۳۸۳) نگاه نو، اقدام نو در مبارزه با مواد مخدر، ج ۱، دبیرخانه ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری، تهران.